



- مدیرمسئول:
محمد امین ایمانجانی
قائم مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیمرزاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین تراز جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

ردپای تسهیلات بدون بازگشت صندوق توسعه ملی را در بانک صنعت و معدن بگیرید

۲۰۰ همت تسهیلات یک بانک دولتی معوق شد

فرهنگیجهان

کارشناسان اقتصادی عملکرد نظام بانکی سالم را به قلب سالم انسان تشبیه می‌کنند. از این منظر همان‌گونه که قلب انسان، عصاره غذایی خون را جذب کرده و از طریق رگ‌ها به تمام اعضای نیازمند بدن می‌رساند و در نهایت خون در رگ‌ها همواره جاری است، بانک‌ها نیز سرمایه‌های راکد و غیرمولد را جذب کرده و به بخش‌های مولد اقتصاد یا خانوارها می‌رسانند. شرط بقای انسان این است که این گردش خون همواره بدون مشکل در جریان باشد، وضعیتی که انتظار می‌رود در یک بانک سالم رخ دهد، این است که تسهیلات اعطایی مرتباً به بانک برگردد تا به اشخاص حقیقی و حقوقی جدید اعطا شود. بنابراین همان‌گونه که اختلال گردش خون در انسان، خطر مرگ را پدید می‌آورد، عدم بازگشت تسهیلات اعطایی به بانک‌ها نیز اگر از حدی بگذرد، منجر به ورشکستگی آن می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید وضعیت قابل‌تأمل سرنوشت تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن است، تسهیلاتی که یک سوی آن در این بانک دولتی و سمت دیگر آن، منابع صندوق توسعه ملی است.

۲۰۰ همت تسهیلات غیرجاری در یک بانک!

نگاهی به اطلاعات صورت مالی بانک صنعت و معدن موارد قابل‌تأملی را نشان می‌دهد. در این بانک طبق صورت مالی سال ۱۴۰۲ از حدود ۴۳۵ همت مانده تسهیلات، حدود ۲۳۴ همت جزء تسهیلات جاری و بیش از ۲۰۰ همت نیز مربوط به سه طبقه تسهیلات غیرجاری است. به عبارتی، از کل مانده تسهیلات این بانک دولتی، بیش از ۴۶ درصد آن غیرجاری بوده است. نگاهی به اطلاعات صورت مالی سال‌های قبل از ۱۴۰۲ نیز نشان می‌دهد حجم تسهیلات غیرجاری بانک در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ تا به ترتیب ۶۴ همت، ۶۲ همت، ۱۳ همت و ۷۱٫۸ همت بوده است. همچنین نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات نیز در این مدت به ترتیب ۶۴ درصد، ۳۸ درصد، ۶۱ درصد و ۲۷ درصد بوده است. اینکه چرا رقم تسهیلات غیرجاری و سهم آن از کل مانده تسهیلات بانک در سال ۱۴۰۲ رشد انفجاری داشته، موضوع قابل‌تأملی است. نگاهی به صورت مالی بانک نشان می‌دهد واقعی شدن اعداد و ارقام دلیل اصلی این جهش ناگهانی است. برای نمونه، در بخش توضیحات حسابرسی صورت مالی بانک متنهی به اسفندماه ۱۴۰۰ آمده است:

طبقه بندی حداقل مبلغ ۸۸٫۵ همت از تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص دولتی و غیردولتی به درستی صورت نگرفته است. براساس توضیحات حسابرس، علاوه بر این در سال مورد گزارش مطالبات از طرق مختلف نظیر امهال، ذکر دلایل قانونی و مقرراتی مانند تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی و قوانین بودجه سنواتی و مشارکت‌های مدنی سررسید شده در طبقه جاری منظور و بابت موارد فوق بر اساس دستورالعمل شناسایی درآمد موسسات اعتباری حداقل درآمد تسهیلات اعطایی شناسایی گردیده است. حسابرس در پایان بیان می‌دارد در سال مورد گزارش بابت همین موضوع نیز مبلغ ۲۷۳ میلیارد تومان درآمد سنواتی شناسایی شده است. این کتمان وام‌های غیرجاری در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته اما ظاهراً در سال ۱۴۰۲ موضوع عدم بازگشت وام‌ها برای بانک حساس‌تر شده است.

۹۷ درصد مشکوک‌الوصول!

مورد قابل‌تأمل در اطلاعات صورت مالی بانک صنعت و معدن، حجم عجیب و غریب تسهیلات مشکوک‌الوصول است. لازم به ذکر است انواع مطالبات بانکی بر اساس بخشنامه بانک مرکزی به شرح ذیل است: ۱- مطالبات جاری؛ مطالباتی است که پرداخت اصل و سود تسهیلات و یا بازپرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته و یا حداکثر از سررسید آن دو ماه گذشته است. ۲- مطالبات غیرجاری؛ شامل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول است. الف- مطالبات سررسید گذشته؛ مطالباتی است که از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از دو ماه گذشته است، ولی تاخیر در بازپرداخت، هنوز از ۶ ماه تجاوز نکرده است. در این صورت فقط مبلغ سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود. ب- مطالبات معوق؛ اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده و مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات موسسه اعتباری نکرده است. در این صورت مانده سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود. ج- مطالبات مشکوک‌الوصول؛ تمامی اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا از تاریخ

قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده و مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود نکرده است.

آنگونه که در جدول آمده، در سال ۱۴۰۲ از حدود ۴۳۵ همت مانده تسهیلات بانک صنعت و معدن، حدود ۴۳۴ همت جاری و ۲۰۰ هزار و ۵۳۷ میلیارد تومان غیرجاری است. در بین ارقام تسهیلات غیرجاری، ۳۲۰ همت سررسید گذشته، ۲۱ همت معوق و بیش از ۱۹۵ همت نیز مشکوک‌الوصول بوده است. به عبارتی، از حدود ۲۰۰ همت تسهیلات غیرجاری این بانک، حدود ۹۷ درصد آن در طبقه مشکوک‌الوصول قرار دارد که به دلیل نزدی‌ها درخصوص بازگشت این بخش از تسهیلات، مخاطره بزرگی برای بانک است.

ردپای ۲۵۶ همت از تسهیلات صندوق توسعه ملی

نگاهی به اطلاعات صورت مالی بانک صنعت و معدن نکات قابل‌تأمل دیگری نیز نشان می‌دهد. براساس این داده‌ها، بخش مهمی از تسهیلات معوقی که در صورت مالی این بانک درج شده، مربوط به تسهیلاتی است که صندوق توسعه ملی و صندوق ذخیره ارزی به عاملیات این بانک پرداخت کرده و حالا بازگشت این وام‌ها مسیر پرپیچ‌وخمی را طی می‌کند. اطلاعات صورت مالی نشان می‌دهد از مانده ۲۵۳ همتی تسهیلات با منبع ارزی در این بانک، حدود ۲۵۶ همت آن مربوط به تسهیلات اعطایی صندوق توسعه ملی، ۸۷ همت مربوط به منابع داخلی بانک و ۹٫۹ همت نیز مربوط به منابع صندوق ذخیره ارزی است. اما این کل ماجرا نیست. بخش مهم ماجرا، حجم انبوه تسهیلات در طبقه مشکوک‌الوصول است. براساس اطلاعات صورت مالی بانک صنعت و معدن، در مجموع حدود ۱۹۲ همت از مانده تسهیلات ارزی این بانک در طبقه غیرجاری قرار دارد که ۱۹۱ همت، یعنی ۹۹ درصد آن مشکوک‌الوصول است. از این مقدار تسهیلات مشکوک‌الوصول، حدود ۱۱۶ همت مربوط به تسهیلات اعطایی صندوق توسعه ملی، ۷۲ همت مربوط به تسهیلات با منبع داخلی بانک و ۲٫۶ همت دیگر نیز مربوط به تسهیلات صندوق ذخیره ارزی است. در اینجا لازم به ذکر است براساس آنچه که مدیران صندوق توسعه ملی می‌گویند، تا ماه‌های گذشته مقدار مطالبات این صندوق از دولت و بخش خصوصی حدود ۱۳۰ میلیارد دلار شامل ۱۰۰ میلیارد دلار مطالبه از دولت ۳۰ میلیارد دلار نیز از بخش خصوصی بوده است. گفته می‌شود بخش عمده مطالبه صندوق از دولت مربوط به عدم پرداخت سهم سالانه و بخش دیگر مربوط به استقراض از صندوق توسعه است. گرچه آمار رسمی منتشر نشده اما برآورد می‌شود ۳۰ میلیارد دلار از مطالبات صندوق از دولت مربوط به استقراض و ۷۰ میلیارد دلار مابقی مربوط به عدم پرداخت سهم قانونی سالانه در یک دهه اخیر است. گرچه از وضعیت مقدار مطالبات جاری و غیرجاری صندوق توسعه از دولت خبری منتشر نشده اما به گفته مسئولان این صندوق، از ۳۰ میلیارد دلار مطالبات آنها از بخش خصوصی حدود ۸ میلیارد دلار مطالبات غیرجاری است.

تبعات مطالبات غیرجاری بانک صنعت و معدن

بدون تردید یکی از پیامدهای فعالیت پولی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، پیدایش مطالبات غیرجاری است که تأثیرات قابل‌توجهی را در نظام اقتصادی ایجاد می‌کند. این موضوع علاوه بر کاهش سودآوری بانک‌ها موجب کندی چرخش نقدینگی در اقتصاد و عدم اختصاص به موقع اعتبارات به درخواست‌های مولد حوزه صنعت معدن تجارت و کشاورزی و در نهایت رکود اقتصادی می‌گردد. طبق آمار و ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات شبکه بانکی رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده که نشان‌دهنده قفل شدن بخش قابل‌توجهی از منابع بانکی و عدم بازگشت آن به اقتصاد است. متناسب با همین روند، در این سال‌ها فعالان بخش تولید از کمبود نقدینگی در بخش‌های مولد اقتصادی گلایه داشته‌اند. از جمله آثار و پیامدهای مطالبات غیرجاری می‌توان به اختلال در امر واسطه‌گری بانک‌ها به عنوان اولین پیامد منفی مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی اشاره کرد. یکی از پیامدهای رشد فزاینده نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات آن است که بخشی از منابع بانک‌ها در بلندمدت از گردش خارج شده و بخشی دیگر به عنوان ذخیره مطالبات غیرجاری بابت پوشش‌زبان احتمالی ناشی از عدم بازگشت مطالبات در نظر گرفته می‌شود. این مساله در نهایت با انعکاس در ترانزاکشن بانک‌ها به کاهش سودآوری و کیفیت دارایی بانک‌ها منجر می‌شود.

یکی دیگر از تبعات افزایش مطالبات غیرجاری بر روند اعتباری بانک‌ها، افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات است. زمانی که بانک‌ها با عدم بازگشت تسهیلات در سررسید مقرر مواجه می‌شوند تمایل

آن‌ها به اعطای تسهیلات به دلیل افزایش ریسک کمتر می‌شود. بر این اساس ممکن است بانک‌ها برای جبران این زیان تسهیلات خود را بیشتر به بخش‌هایی که زودبازده هستند و طول مدت بازپرداخت آنها کوتاه‌تر است اختصاص دهند. این موضوع منجر به کاهش تسهیلات اعطایی به بخش‌های دیربازده نظیر بخش‌های کشاورزی و تولیدی می‌شود. از تبعات منفی افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها، کاهش رشد اقتصادی است. چنانکه وجود مطالبات غیرجاری موجب می‌شود تا امکان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اعتباری دقیق برای مسئولان بانکی و سیاستگذاران پولی فراهم نشود زیرا وجود منابع مالی بدون استفاده در بانک‌ها یا عدم بازگشت اعتبارات به بانک‌ها، موجب کاهش قدرت اعطای تسهیلات شبکه بانکی شده و با کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی کشور رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. ضمن اینکه در کشور ایران به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت شبکه بانکی بانک‌ها هر زمان که بخواهند اقدام به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی می‌کنند؛ موضوعی که به افزایش پایه پولی، حجم نقدینگی و تورم منجر می‌شود (از مقاله عوامل موثر بر اعطای تسهیلات بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر مطالبات غیرجاری، سیاوش گلزاریان پور و همکاران).

ضربه فنی صندوق توسعه ملی

اما این همه ماجرا نیست. چنانکه گفته شد، در همین بانک دولتی صنعت و معدن، بخش قابل‌توجهی از منابع بازگشته مربوط به صندوق توسعه ملی است، صندوقی که قرار بود منابع ذخیره شده ارزی ناشی از فروش نفت را به ثروتی زاینده تبدیل کرده و رشد اقتصادی کشور را رقم بزند. در این خصوص مهدی غضنفری، رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی چندی پیش در گفت‌وگو با روزنامه «فرهیختگان» درخصوص عدم بازگشت یا بازگشت دیربهرنگام تسهیلات صندوق توسعه ملی گفت: «یکی از مأموریت‌های اصلی صندوق این است که کشور را توسعه دهد. خوب چه زمانی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ وقتی که این منابعی که به صورت تسهیلات ارانه کرده است در حال گردش باشند و در جایی رسوب نکنند. مشکلی اصلی صندوق با دولت‌ها این نیست که چرا منابع صندوق را برده‌اند و تسهیلات گرفته‌اند. بلکه مشکل اصلی صندوق این است که چرا آن را به موقع برنمی‌گردانند. باید سرعت گردش منابع بالا باشد تا سرمایه در میان گروه‌های مختلف برای فعالیت تولیدی و ایجاد کارخانه در گردش باشد. پس مهم در کنار معیار موجودی صفر همانا معیار بازگشت منابع و سرعت گردش موجودی و منابع است. با کمال تأسف سرعت گردش موجودی و منابع پایین است، یعنی ۱۰۰ میلیارد دلاری که دولت‌ها طی این ۱۰ سال دریافت کردند و به صندوق بازنمی‌گردانند سبب ناکارآمدی یا کم‌کارآمدی صندوق شده است. صندوق می‌توانست به جای تأمین مالی پنج نیروگاه در سال‌های گذشته، ۱۵ نیروگاه را تأمین مالی کند، اگر منابع این پنج تا به موقع برگشت داده شده بود. صندوق می‌توانست

مقایسه وضعیت تسهیلات جاری و غیرجاری بانک صنعت و معدن طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ (میلیارد تومان)					
عنوان	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
جاری	۹۳٫۸۲۳	۱۵۸٫۵۳۹	۲۰۱٫۳۳۷	۱۹۵٫۰۵۴	۲۳۴٫۴۴۷
سررسید گذشته	۱۳۷	۲۳۳	۳۴۶	۹۴۴	۳٫۲۵۴
معوق	۱۹۵	۵۱۵	۶۰۴	۳٫۳۶۹	۲٫۱۱۸
مشکوک‌الوصول	۶۰٫۰۷۱	۵۰۴۷۹	۱۲۰٫۳۳۳	۶۷٫۴۸۷	۱۹۵٫۱۶۵
مجموع غیرجاری	۶۰٫۴۰۳	۶۰۲۲۷	۱۲۰٫۹۸۳	۷۱٫۸۰۰	۲۰۰٫۵۳۷
مانده کل تسهیلات	۱۰۰٫۲۲۶	۱۶۴٫۷۶۷	۲۱۲٫۲۲۰	۲۶۶٫۸۵۴	۴۳۴٫۹۸۳
نسبت غیرجاری به کل (درصد)	۶۰٫۴	۳۸	۶۱	۲۶٫۹	۴۶٫۱
نسبت مشکوک‌الوصول به کل غیرجاری (درصد)	۹۵	۸۸	۹۳	۹۴	۹۷

مانده تسهیلات اعطایی به ارز به تفکیک منابع در بانک صنعت و معدن تا انتهای سال ۱۴۰۲ – میلیارد تومان					
عنوان منبع تسهیلات	جاری	سررسید گذشته	معوق	مشکوک‌الوصول	جمع
منابع داخلی	۱۴٫۸۸۲	۴	۲۱۷	۷۲٫۰۸۱	۸۷٫۱۸۴
صندوق ذخیره ارزی	۷٫۳۲۴	-	-	۲٫۶۳۱	۹٫۹۵۴
صندوق توسعه ملی	۱۳۸٫۹۳۶	۲۹۱	۸۹۰	۱۱۶٫۲۶۰	۳۵۶٫۳۷۶
جمع تسهیلات اعطایی به ارز	۱۶۱٫۱۴۲	۲۹۴	۱٫۱۰۷	۱۹۰٫۹۷۲	۳۵۳٫۵۱۴

لزوم تبدیل توافقنامه‌های تجاری به قراردادهای حقوقی و قابل اجرا

دیپلماسی عندالمطالبه

سهیل قضایی

پژوهشگر روابط بین‌الملل

هر از چند گاهی مسئولان خبر از دستیابی به یک توافق جامع با شرکای خارجی کشورمان می‌دهند. توافقنامه‌هایی که نام‌ها و عناوین خوش‌رنگ و لعابی دارند، به شکلی که آحاد جامعه با شنیدن این اخبار تصور دستاورد بزرگی را دارند که موجب بر طرف شدن بخش قابل ملاحظه‌ای از مشکلات خواهد شد. هرچند بایستی به اهمیت وجود این توافقنامه‌ها اعتراف کرد اما امروزه آنچه از این اخبار حس می‌شود، نبود خروجی قابل اعتنایی از این توافقنامه‌هاست. از طرفی دیگر، نتیجه ناکام ماندن توافقنامه‌ها نه فقط در افکار عمومی بلکه در اقتصاد کشور نیز نمود پیدا می‌کند. بخش قابل توجهی از گره‌های اقتصادی کشور با روابط تجاری خارجی قابل حل یا تخفیف است. با شکست و ناکامی توافقنامه‌های تجاری این موضوعات نیز بر زمین مانده و بعضاً خود موجب مشکلات اقتصادی می‌شوند.

تهی اما زیبا

بی تردید هرگونه قرارداد حقوقی که قابل اجرا باشد و بتواند بازی از مشکلات کشور بردارد نیازمند پیش‌زمینه‌ها و توافقات مقدماتی است. استنادی که بتوانند موجب زمینه‌چینی قرارداد نهایی شوند. با این حال آنچه اکنون قابل مشاهده است اکتفای مدیران به توافقنامه‌های

حرکت با دنده سنگین

با وجود اینکه بسیاری از این توافقنامه‌ها در دولت سیزدهم پیگیری و به امضای طرفین رسید اما دولت وقت نتوانست از درون این توافقنامه‌های قابل‌توجه فرآورد‌هایی را به دست بیاورد که قابل اجرا و با ضمانت اجرا باشند. به همین علت بخش اعظمی از این توافقنامه‌ها در واقع خروجی خاصی نداشته و بر زمین مانده‌اند. با این حال در همین دولت حرکتی به سوی انعقاد قراردادهای حقوقی قابل اجرا شکل گرفته و به چند قرارداد حقوقی تجاری نیز دست یافته‌اند. در دولت سیزدهم تبدیل توافقنامه‌های بلندمدت و کلان به قراردادهای جزئی و کوچک اما حقوقی و قابل پیگیری دنبال شد. قراردادهای بانکی با بانک‌های روسیه و چین تا امضا قرارداد نفتی و گاز با غول‌های روسی و از سویی دیگر قرارداد تجهیزات و توسعه بندر چابهار با هند، همگی در این توافقنامه‌هایی بودند که در دولت سیزدهم به قرارداد تبدیل شده‌اند.

خشت دوم

همان‌طور که اشاره شد دولت سیزدهم توافقنامه‌های بسیاری را منعقد کرده و گام نخست در مسیر افزایش تبادل‌اتجاری را برداشته و سپس حرکتی آرام به سمت تبدیل این توافقنامه‌ها به قرارداد داشته. با این حال همچنان توافقنامه‌های بسیاری هستند که بایستی تبدیل به یک قرارداد حقوقی شوند. توافقنامه‌هایی با کشورهای همچون

قزاقستان، آذربایجان، ترکیه، پاکستان، عمان، الجزایر، اندونزی و مالزی همگی ازجمله توافقنامه‌هایی بوده‌اند که بر زمین مانده‌اند. بدین ترتیب دست دولت چهاردهم در این زمینه باز به نظر می‌رسد و فرصت مناسبی برای گسترش تبادل‌اتجاری به وسیله تبدیل این توافقنامه‌ها به قرارداد‌های اجرایی دارد. در واقع دولت چهاردهم بایستی خشت دوم توسعه روابط خارجی را صاف بچیند.

مطابق با برنامه

براساس قانون برنامه هفتم، بخش قابل توجهی از الزامات تحقق رشد ۸ درصدی برعهده دیپلماسی اقتصادی گذاشته شده است. آنچه که روشن است نقش تجارت خارجی در شکل‌گیری زمینه‌های رشد اقتصادی است. بدین ترتیب اقداماتی که بتواند تجارت خارجی، جذب سرمایه و هرگونه همکاری اقتصادی و تجاری را تسهیل کند باید مورد توجه قرار گیرد. در متن این قانون، وزارت امور خارجه و دیگر نهاد‌های متولی مأمور به استفاده از ظرفیت دیپلماسی اقتصادمحور برای کمک به برنامه‌های گشایش‌محور دولت در حوزه اقتصاد شده‌اند. توافقنامه‌های تجاری بدون شک نقش بنیادینی در این امر دارند اما به تنهایی عقیم محسوب می‌شوند و نمی‌توانند نقش خود را ایفا کنند. راه‌حل این موضوع انعقاد قراردادهای حقوقی و تجاری است تا دولت بتواند با اطمینان آنها را دنبال کرده و اگر طرف مقابل از اجرای آنها سر باز زد مطالبه قانونی خود را محفوظ دارد.